



## مناظره امام رضا(ع) با دانشمندان یهودی و مسیحی و مستندات آن در کتاب مقدس

مقدمه بر اساس آموزه های شیعی، امام(ع) باید داناترین فرد جامعه اسلامی باشد تا بتواند از عهده پاسخ گویی به همه پرسش ها و چالش های مربوط به اسلام و جامعه اسلامی بر آید. از این رو گستره دانائی او، افزون بر قرآن و سنت، حوزه های دیگری از جمله کتاب های مقدسی مانند تورات، انجیل و زبور را نیز در بر می گیرد. مناظرات نغم امام رضا(ع) با دو تن از دانشمندان یهودی و مسیحی شاهد گویای این مدعاست. آن حضرت در باره موضوعاتی چون اثبات نبوت پیامبر اسلام(ص)، نقد الوهیت حضرت عیسی(ع) و نفی این همانی اناجیل کنونی و انجیل اصلی به کتاب مقدس خود یهود و مسیحیان استناد کرده است. در این نوشتار، مناظرات یاد شده، با متن کتاب مقدس موجود، تطبیق و مستند سازی شده است. این موضوع که به رغم اهمیت شایان توجه آن، تاکنون به صورت مستقل و تطبیقی بررسی نشده است، می تواند شیوه ها و الگوهای مناسب برای پاسخ گویی به پرسش ها و چالش های پیش روی اسلام و گفت و گو با پیروان دیگر ادیان و فرق دینی را در اختیار ما قرار دهد.

پیشینه و جایگاه مناظره در ادیان آسمانی

گفتگو، مناظره و احتجاج از همان آغاز آفرینش، از اساسی ترین ابزارهای ارتباط جمعی انسان ها برای تفهیم و تفاهم بوده است. تاریخ ادیان توحیدی نشان می دهد که پیامبران بزرگ الهی نیز همواره در موقعیت های گوناگون تبلیغی از این ویژگی عمومی و فطری بشر بهره های فراوان برده اند. احتجاج حضرت نوح، هود، صالح، ابراهیم، لوط، شعیب، موسی و عیسی(علیهم السلام) با کافران قوم و مخالفان فکری خود، در قرآن، [1] گزارش شده است. چنان که احتجاج های پیامبر اکرم(ص) با مشرکان عرب، مسیحیان نجران، یهودیان، ماده پرستان و منکران معاد در بسیاری از آیات و منابع حدیثی انعکاس یافته است. [2] پس از پیامبر، اهل بیت عصمت و طهارت(ع) نیز تداومگر این سیره بوده اند. مناظره امام علی(ع) با دانشمندان یهود درباره خدا و صفات او، [3] گفتگو امام حسن و امام حسین(ع) با معاویه و دیگر شامیان، گفتگوی امام باقر(ع) با خوارج، [4] و مناظره های امام صادق(ع) و شاگردان ایشان با زندیقان از این قبیل است. [5] اما در این میان، گفتگوی نغم و زرف امام رضا(ع) با مخالفان، به ویژه عالمان یهود و نصارا، زرتشتی، صابئی، متکلمان نامدار و دیگران، که با پیشنهاد مأمون عباسی برگزار گردید، بسیار شنیدنی و مثال زدنی است. ایشان از راه گفتگو و مناظره، به مقابله با مخالفان پرداختند و سوالات و چالش های زندیقان و اشکالات دگرانديشان در حوزه عقاید اسلامی و شیعی را پاسخ گفتند. [6] اهمیت مناظره های امام رضا(ع)

انگیزه مأمون از برگزاری این گونه مناظره ها، هرچند مورد اختلاف پژوهشگران و صاحب نظران است، اما در این نکته نمی توان تردید کرد که علیه امام بر حریفان و طرف های مناظره با استناد بر کتاب های خودشان و بر اساس منطقی محکم و استوار، در نهایت به اثبات حقایق و احیای اسلام، مجاب شدن مدعیان گوناگون، اثبات برتری و حقایق اثمه اهل بیت(ع) و پیروان و شیعیان آنها منجر شد. در پی این مناظره ها بود که یکی از پویاترین کانون های علوم اسلامی، به ویژه شیعی، در خراسان پا گرفت و در دوره های بعد، به ایفای نقشی حیاتی در پاس داری از اسلام و تشیع و ترویج آن پرداخت. ارزش هرچه بیشتر این مناظره ها، به ویژه با استناد بر کتب مقدسی همچون تورات، انجیل و زبور، زمانی به خوبی روشن می شود که شرایط شگفت حاکم بر منطقه عمومی خراسان بزرگ از نظر تنوع فرقه ها و نحله های دینی و مذهبی گوناگون و چالش هایی که از این ناحیه متوجه اسلام و جامعه مسلمانان بود، مورد توجه قرار گیرد. مناظره با دانشمندان یهودی

امام رضا(ع) در باره نبوت پیامبر اسلام(ص) و دلایل اثبات آن با عالم یهودی به مناظره پرداختند. آن حضرت در این زمینه، افزون بر پیشگویی کتاب مقدس یهودیان، به همان دلیلی استناد کردند که عالم یهودی برای اثبات نبوت حضرت موسی(ع) به آن استناد جست.

1 - پیشگویی تورات در باره پیامبر اسلام: حضرت رضا(ع) در پاسخ به درخواست عالم یهودی برای اثبات نبوت حضرت محمد(ص) بر اساس کتاب مقدس آنان به فرایز از تورات استناد کردند که دارای قراین روشنی بود و به خوبی بر مدعای آن حضرت دلالت می کرد؛ از جمله فرمودند: آیا می دانی که حضرت موسی(ع) به بنی اسرائیل وصیت کرد: پیامبری از میان برادرانتان به سوی شما خواهد آمد، او را تصدیق کنید و به سخنانش گوش فرا دهید؟ هنگامی که عالم یهودی وجود این بشارت را در تورات تأیید کرد، حضرت فرمودند: آیا بنی اسرائیل برادرانی غیر از بنی اسماعیل دارند؟ و آیا از میان فرزندان اسماعیل(ع) پیامبری جز حضرت محمد(ص) مبعوث شده است؟ دانشمندان یهودی به هر دو پرسش، پاسخ منفی داد. این فقره مورد استناد حضرت، که با اندکی تفاوت در چند جای عهد قدیم و جدید آمده، در نسخه های کنونی آن نیز موجود است. از جمله در اعمال رسولان، 3: 22 آمده است:

موسی به اجداد گفت که خداوند، خدای شما، نبی ای مثل من از میان برادران شما برای شما برخواهد انگیخت. ( و نیز ر.ک: تنبیه، 15: 18 و 18: 19)

بدون شك، فراز یاد شده، آمدن پیامبری را بشارت می دهد که اولاً «همانند موسی» است و ثانیاً، از میان «برادران بنی اسرائیل» خواهد بود. برخی از دانشمندان یهود، پیامبر یاد شده را بر یوشع، [7] مسیحیان پروتستان بر حضرت عیسی(ع) و مسلمانان بر پیامبر اکرم(ص) تطبیق کرده اند. مسلمانان با شرح بسیاری از ویژگی های یکسان حضرت موسی(ع) با حضرت محمد(ص) از يك سو، و تفاوت حضرت عیسی(ع) و یوشع با حضرت موسی(ع) در ویژگی های یاد شده، پیامبر اکرم(ص) را مصداق آن پیامبر موعود می خوانند. [8]

برای ارزیابی درست این سه دیدگاه و چگونگی انطباق «آن نبی» بر پیامبر اکرم، لازم است دو ویژگی یاد شده برای وی با استناد به خود کتاب مقدس مورد تجزیه و

تحلیل قرار بگیرد. بر همین اساس باید گفت:

الف. مهم ترین ویژگی نبوت حضرت موسی(ع) داشتن کتاب آسمانی و آوردن شریعتی مستقل و خاص است. بنابراین، یک پیامبر تنها در صورتی می تواند همانند او باشد که حتماً این ویژگی را داشته باشد، در حالی که یوشع و هیچ یک از پیامبران بنی اسرائیل ادعا نکرده اند که همانند وی بوده و شریعتی خاص آورده اند. همه آنان پیرو شریعت حضرت موسی(ع) بودند. از سوی دیگر، خود کتاب مقدس، یوشع را معاصر موسی(ع) و جانشین آن حضرت معرفی می کند. [9] بنابراین، وی نمی تواند همان پیامبر موعود باشد؛ چراکه آمدن وی در «آینده» خواهد بود. گزارش انجیل یوحنا نیز این معنا را تأیید می کند؛ چراکه نشان می دهد یهودیان دست کم تا زمان حضرت یحیی(ع) منتظر ظهور این پیامبر موعود بودند، در حالی که یوشع نبی چند قرن پیش از یحیی بوده است. حتی بر اساس گزارش اناجیل، حضرت عیسی(ع) نیز شریعت مستقلی نیاورد. او مأموریت داشت همان شریعت موسی(ع) را اجرا و تکمیل نماید:

گمان میرید که آمده ام تا تورات یا صحف انبیا را باطل سازم؛ نیامده ام تا باطل نمایم، بلکه تا تمام کنم. پس هر که یکی از این احکام کوچک ترین را بشکند و به مردم چنین تعلیم نماید او در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود؛ اما هر که به عمل آورد و تعلیم نماید، او در ملکوت آسمان، بزرگ خوانده خواهد شد. [10]

ب. از سوی دیگر، فراهایی از عهد جدید نشان می دهند که کاهنان یهود در عصر حضرت عیسی(ع) نیز پیامبر یاد شده را غیر از مسیح می دانستند:

و این است شهادت یحیی در وقتی که یهودیان از اورشلم، کاهنان و لایوان را فرستادند تا از او سؤال کنند که تو کیستی که معترف شد و انکار نمود، بلکه اقرار کرد که من مسیح نیستم. آن گاه از او سؤال کردند: پس چه، آیا تو الیاس هستی؟ گفت: نیستم. آیا تو آن نبی هستی؟ جواب داد که نه. [11]

حضرت یحیی معاصر حضرت عیسی(ع) و اندکی پیش از وی مبعوث شد. یهودیان در پی شناخت ماهیت وی، کاهنانی را نزد وی فرستادند، ولی او خود را پیامبری غیر از مسیح، الیاس و «آن نبی» معرفی کرد. مفسران کتاب مقدس عبارت «آن نبی» را اشاره به همان پیامبری می دانند که در سفر «تثنیه» (باب 18) حضرت موسی(ع) وعده داده بود [12] و آن پیامبر در میان یهود، چنان معروف بود که اشاره کوتاه «آن نبی» برای انتقال آن کافی بود. برخی گفته اند: آنان منتظر پیامبری بوده اند که سرور انبیا و بزرگ ترین آنان بوده است. [13] از سوی دیگر، بدون شک انتظار یک پیامبر بزرگ، مسئله بسیار مهمی بوده است و اگر کاهنان و برگزیدگان مرکز یهودیت آن زمان (اورشلم) عقیده نادرستی در این باره داشتند، باید حضرت یحیی آنان را متوجه خطایشان می کرد، نه اینکه خطای آنان را تأیید نماید. بنابراین، اگر مراد از «آن نبی» مسیح باشد، باید حضرت یحیی می گفت: آن دو یکی هستند، نه اینکه بگوید: من آن نیستم. [14]

از گزارش های دیگر عهد جدید نیز برمی آید: بشارت آمدن «آن نبی» به گونه ای در میان یهود روشن و پذیرفته شده بود که آنان هنگام ظهور حضرت یحیی(علیه السلام) دچار اختلاف شدند. گروهی وی را همان نبی و گروهی دیگر غیر آن خواندند. [15]

ج. افزون بر آنچه گفته شد، به صورت جدلی می توان در پاسخ مسیحیان گفت: بر اساس الهیات رایج آنان، تفاوت های زیادی بین حضرت موسی و عیسی(ع) وجود دارد، و به دیگر سخن، حضرت عیسی(ع) نه یک پیامبر، بلکه خدای مجسّد خوانده می شود که هیچ انسانی با وی قابل مقایسه نیست. [16]

2. دلیل نبوت موسی(ع) و دلالت آن بر نبوت پیامبر اسلام(ص): دانشمند یهودی در پاسخ امام رضا(ع) درباره چگونگی اثبات نبوت حضرت موسی(ع) به معجزاتی از قبیل شکافتن دریا، ازدها شدن عصا در دست وی، بیرون آوردن ید بیضا و جاری ساختن چشمه آب از سنگ با زدن عصای خود، استناد کرد. امام رضا(ع) با پذیرش این معجزات حضرت موسی(ع) پرسید: آیا هر کس در تأیید ادعای نبوت خویش معجزه بیاورد، او را تصدیق می کنید؟ عالم یهودی گفت: خیر، فقط در صورتی می پذیریم که معجزاتی همانند معجزات حضرت موسی(ع) بیاورد. امام فرمودند: پس چگونه به نبوت پیامبران پیش از موسی(ع) ایمان دارید، در حالی که هیچ کدام از آنها معجزات یاد شده برای حضرت موسی(ع) را نیاوردند. دانشمند یهودی که در پاسخ حضرت رضا(ع) در مانده بود، با تغییر حرف خود، گفت: اگر کسی معجزاتی بیاورد که فراتر از قدرت افراد عادی باشد، تصدیق نبوت او لازم است. در این هنگام، حضرت رضا(ع) با اشاره به زنده شدن مردگان، شفای کور مادر زاد و بیماران مبتلا به پستی به دست حضرت عیسی(ع) و زنده شدن پرنده گلین با دم مسیحایی آن حضرت پرسیدند: پس چرا نبوت او را تصدیق نمی کنید؟ وقتی عالم یهودی گفت: می گویند که وی چنین کارهایی می کرده است، ولی ما که آن را ندیده ایم، امام پرسیدند: مگر معجزات حضرت موسی(ع) را به چشم خود دیده اید؟ آیا جز این است که افراد مورد اطمینان آنها را دیده و نقل کرده اند و با اخبار متواتر به شما رسیده است؟ معجزات حضرت عیسی(ع) هم توسط افراد مورد وثوقی دیده شده و در قالب اخبار متواتر گزارش شده است، پس چرا نبوت او را تصدیق نمی کنید؟ درباره حضرت محمد(ص) نیز این مسئله صادق است. بر اساس اخبار متواتر، آن حضرت نزد هیچ آموزگاری درس نخواندند و چیزی نیاموختند، ولی به رغم امّی و درس ناخوانده و مکتب نرفته بودن، کتابی آوردند که درباره سرگذشت پیامبران و اقوام گذشته و نیز درباره آینده سخن گفته است. پس چرا نبوت او را نمی پذیرید؟ عالم یهودی، که جوابی نداشت، محکوم شد و سکوت اختیار کرد. [17]

در این گفتگو، هرچند امام رضا(ع) به صورت صریح و آشکار به هیچ کتاب مقدسی استناد نجستند، ولی اشاره نکردن ایشان به گزارش این معجزات در کتاب مقدس، به دلیل آن است که این مسئله به عنوان یک واقعیت و حقیقت مسلم تاریخی و دینی، برای هر یک از پیروان ادیان ابراهیمی پذیرفته شده بود و یا دست کم از آن آگاهی داشتند و باید بر اساس منطق و استدلال خود، آن را می پذیرفتند؛ زیرا معجزات یاد شده برای حضرت موسی و عیسی(ع) به ترتیب در عهد قدیم [18] و جدید [19] و به شکلی مبسوط گزارش شده است. قرآن نیز اصل آن معجزات را بدون اشاره به جزئیات پرداخته شده در عهدین، گزارش و تأیید می کند. [20]

مناظره با دانشمند مسیحی

امام رضا(ع) در مناظره خود با دانشمند مسیحی، با استناد به فراهایی از اناجیل چهارگانه موجود، برخی از عقاید بنیادین مسیحیت را به چالش کشیده است. نفی الوهیت حضرت عیسی(ع) و اثبات بشر بودن وی و نیز اثبات تفاوت اناجیل چهارگانه رسمی با انجیل اصلی از این قبیل است.

«تثلیث» یکی از آموزه های بنیادین در الهیات رایج مسیحی است که بر اساس آن، پدر، پسر (مسیح) و روح القدس الوهیت دارند. امام رضا(ع) در مناظره با یکی از دانشمندان مسیحی با اشاره به انجام معجزاتی همانند معجزات حضرت عیسی(ع) به دست پیامبرانی دیگر، عبودیت و بندگی آن حضرت برای خداوند و ارائه یک شخصیت کاملاً انسانی برای ایشان در سه انجیل متی، مرقس و لوقا و اعتقاد به خدایی و الوهیت او را به نقد و چالشی بنیادین کشیدند.

الف. معجزات حضرت عیسی(ع): همان گونه که بسیاری از پژوهشگران و اندیشمندان مسیحی و دیگران گفته اند، یکی از زمینه های پیدایش اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی(ع) معجزات ایشان است. بر اساس گزارش صریح اناجیل، آن حضرت مرده زنده می کرد، کور مادرزاد، افراد فلج و انواع بیماران را شفا می داد. [21] امام رضا(ع) در گفتگو با دانشمند مسیحی، از وی درباره دلیل اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی(ع) پرسید و او با اشاره به معجزات آن حضرت، گفت: کسی که چنین کارهایی انجام دهد، خداوند و درخور پرستش است. حضرت رضا(ع) با استناد به گزارش های تورات گفت: یَسِيعَ (الْيَسِيعُ) [22] نیز مرده زنده می کرد، روی آب راه می رفت و بیماران را شفا می داد. [23] حزقیل [24] و برخی دیگر از پیامبران بنی اسرائیل هم شمار بسیاری از مردگان را زنده کردند، اما پیروان آنان هرگز به الوهیت آنان معتقد نشدند و آنان را پرستش نکردند. همه این موارد در تورات آمده است و شما نمی توانید منکر آن باشید. اگر انجام چنین کارهایی دلیل بر الوهیت و خدا بودن باشد، باید درباره آنان نیز چنین اعتقادی داشته باشید، در حالی که چنین نیست. حال با اینکه آنان پیش از حضرت عیسی(ع) دست به چنین معجزاتی زدند، چرا شما به الوهیت آنان معتقد نیستید؟ عالم مسیحی، که در برابر استدلال حضرت ناتوان مانده بود، بر اساس گزارش منابع اسلامی، به توحید و وحدانیت خداوند اقرار کرد. [25]

ب. شخصیت بشری حضرت عیسی(ع) در اناجیل همونوا: معرفی حضرت عیسی(ع) به عنوان یک شخصیت انسانی و نفي الوهیت او با استناد به اناجیل متی، لوقا و مرقس موضوع دیگری است که مورد استناد امام قرار گرفته است. آن حضرت ابتدا نظر عالم مسیحی را درباره نویسندگان اناجیل چهارگانه و میزان ارزش و اعتبار سخنان آنها نزد وی جویا شد. دانشمند مسیحی آنان را عالم به انجیل خواند و بر درستی و پذیرش سخنانشان تأکید کرد. امام پس از آنکه حاضران را بر این گفته های او گواه گرفت، به سخنان متی، مرقس و لوقا در انجیل خود آنان استناد کرد؛ سخنانی که در آن شخصیتی کاملاً انسانی و نه الوهیت از حضرت عیسی(ع) به تصویر کشیده و بدان تصریح کرده اند. [26] آن گاه نظر عالم مسیحی را در این باره پرسید. او در مقام دفاع از شخصیت الوهیت و خدا بودن حضرت عیسی(ع)، متی، مرقس و لوقا را به دروغ گویی در این باره متهم ساخت. هنگامی که امام رضا(ع) سخنان پیشین او مبنی بر عالم به انجیل بودن و درستی و بر حق بودن گفته های آنان را یادآوری کرد، عالم مسیحی در اوج درماندگی، از امام خواست او را از گفتگو درباره آنها معاف دارد. حضرت با پذیرش درخواست وی، فرمودند: اگر سؤالی دارد، بپرسد. ولی او با اجتناب از هرگونه پرسشی، گفت: دیگری سؤال نماید، آن گاه به خدا سوگند یاد نمود که هرگز گمان نمی کردم در میان دانشمندان مسلمان، کسی همانند شما باشد. [27]

همچنان که دانشمندان و پژوهشگران کتاب مقدس و مسیحیت نیز معتقدند، [28] مجموعه عهد جدید بر اساس دو نگرش کاملاً متفاوت به شخصیت حضرت عیسی(ع)، دو نظام الهیاتی کاملاً جدا از هم ارائه می کند. رساله های پولس، [29] انجیل و نامه های یوحنا، اساس الهیات مبتنی بر الوهیت و خدا بودن حضرت عیسی(ع) [30] و اناجیل سه گانه متی، مرقس و لوقا و بخش های دیگر عهد جدید مبنای الهیات مبتنی بر انسان، بنده و پیامبر بودن اوست. [31] نظام اعتقادی نخست را پولس بنیان نهاد و آن دیگری را حواریان مسیح به سرکردگی پطرس نمایندگی می کردند. اناجیل سه گانه یاد شده از جمله، به سبب این اشتراک به اناجیل همونوا معروفند و فراهای مورد استناد امام رضا(ع) را به روشنی می توان در آنها یافت. [32]

ج. عبادت حضرت عیسی(ع): امام رضا(ع) در فراز دیگری از مناظره با عالم مسیحی، با استناد به یکی دیگر از عقاید مسلم مسیحیت، که در اناجیل نیز بازتاب یافته است، اعتقاد به الوهیت حضرت عیسی(ع) را از زاویه ای دیگر به چالشی بنیادین کشیدند. توضیح اینکه آن حضرت خطاب به عالم مسیحی گفتند: ما به عیسایی که به حضرت محمّد(ص) و آل او ایمان دارد، اعتقاد داریم. آن حضرت هیچ ایراد و اشکالی نداشت، جز اینکه نماز کم می خواند و روزه اندک می گرفت. دانشمند مسیحی با توجه به شناختی که در جریان مناظره از میزان دانش و آگاهی امام پیدا کرده بود، با ابراز شگفتی بسیار گفت: من گمان نمی کردم در میان مسلمانان کسی دانناز از شما وجود داشته باشد، اما با این سخنی که گفتید، از اعتبار علمی شما در نزد من کاسته شد. وقتی حضرت دلیل آن را پرسیدند، وی گفت: شما چگونه این سخن را می گوید، در حالی که حضرت عیسی(ع) همه روزها روزه بود، حتی یک روز را هم بدون روزه سپری نکرد و همواره شب ها را به شب زنده داری و عبادت می پرداخت. در این هنگام، امام رضا(ع) پرسیدند: او برای چه کسی روزه می گرفت و نماز می خواند؟ معنای سخن امام این است که اگر او خداست و الوهیت دارد، چگونه برای خدای دیگری عبادت و بندگی می کرد؟ نماز خواندن و روزه گرفتن دلیل بندگی و عید خدا بودن اوست و عبودیت هرگز با الوهیت جمع نمی شود. در این استدلال نیز امام رضا(ع) با توجه به گزارش کتاب مقدس، درباره روزه داری و نماز خواندن حضرت مسیح(ع) و آگاهی عالم مسیحی از آن، اقامه دلیل کرده اند. [33] برای مثال، در انجیل متی «24:1» آمده است:

آن گاه عیسی به دست روح به بیابان برده شد تا ابلیس او را تجربه کند و چون چهل شبانه روز روزه داشت، آخر گرسنه گردید.

یا در انجیل «مرقس» (1:35) آمده است:

بامدادان قبل از صبح برخاسته، بیرون رفت و به ویرانه ای رسیده در آنجا به دعا مشغول شد.

## 2. تاریخ انجیل

تاریخ انجیل و تدوین آن، نویسندگان و منابع نخستین آن از مباحث مورد اختلافی است که از دیرباز توجه و اهتمام بسیاری از دانشمندان و پژوهشگران مسیحی و مسلمان را به خود معطوف ساخته است. حضرت رضا(ع) در مناظره خویش به این موضوع نیز پرداختند و درباره انجیل نخست و اصلی، سرنوشت آن و نویسندگان اناجیل موجود سؤال کردند. دانشمند مسیحی پاسخ داد: انجیل اصلی تنها یک روز گم و سپس نزد یوحنا و متی یافت شد. امام فرمودند: چقدر دانش و آگاهی تو درباره انجیل و علمای آن اندک است. اگر همان گونه که تو می گویی و اناجیل موجود همان انجیل نخست و اصلی است، پس چرا آموزه های آنها با یکدیگر اختلاف دارند؟ تعلیم انجیل اول، که با یکدیگر اختلاف نداشتند. انجیل اصلی از بین رفته است و اناجیل چهارگانه موجود را چهار نفر به نام های لوقا، مرقس، یوحنا و متی گردآوری و تدوین کرده اند. و این چهار نفر از دانشمندان نخست و نسل اول مسیحیت نبودند، بلکه شاگرد شاگرد آنان بودند. [34]

پژوهش های انجام شده درباره تاریخ کتاب مقدس با دیدگاه امام رضا(ع) همخوانی زیادی دارند؛ چراکه دو سه دهه نخست تاریخ مسیحیت و بودن کتابی به نام انجیل و منسوب به حضرت عیسی(ع) از نظر منابع تاریخی مستقل از متون مسیحی و اسلامی، در حاله ای از ابهام قرار دارد، به گونه ای که برخی حتی در وجود خود حضرت عیسی(ع) نیز تردید کرده اند. [35]) البته فقدان گزارش های تاریخی نمی تواند دلیلی بر فقدان وجود خارجی و تاریخی انجیل باشد و چه بسا جزئیات مربوط به ظهور آن حضرت و وحی نازل شده بر وی به علل نامعلومی در تاریخ ثبت نشده و یا از بین رفته باشد؛ زیرا در برخی اناجیل چهارگانه، از انجیل مسیح سخن به میان آمده است. [36])

پژوهش های انجام گرفته نشان می دهند که در 30 تا 40 سال نخست میلادی، تعلیم مسیحیت، تقریباً فقط به صورت شفاهی و گاه با نامه نگاری انجام می گرفت. اما کاستی ها و کافی نبودن تعالیم رساله ها و روایت های شفاهی، زمینه انجیل نگاری را فراهم ساخت. [37]) بنابراین، تاریخ نگارش عهد جدید و آنچه امروزه به نام «کتاب مقدس» مسیحیان خوانده می شود، بیشتر به پس از نیمه نخست قرن اول میلادی و در حدود 20 تا 30 سال پس از صعود حضرت عیسی(ع) (30 میلادی) بازمی گردد [38]) که به وسیله رسولان وی و شاگردان آنها صورت پذیرفت. این نوشته ها در چهار دسته «نامه های رسولان»، «اعمال رسولان»، «اناجیل چهارگانه» و «مکاشفات»، طبقه بندی شده است. اناجیل چهارگانه با توجه به نام مؤلفان آنها، به انجیل متا، انجیل مرقس، انجیل لوقا و انجیل یوحنا شهرت یافته اند. به رغم پژوهش های وسیع انجام گرفته درباره تاریخ نگارش، هویت نویسندگان و درستی و پیوستگی سند آنها، وحدت نظر قاطعی در این باره وجود ندارد. البته در کنار چالش ها و تردیدهای جدی و بر اساس برخی قراین و شواهد، حدس و گمان های نیرومندی نیز مطرح است. [39])

\* دانش آموخته حوزه علمیه و کارشناس ارشد الهیات و معارف اسلامی  
نویسنده: علی اسدی\*

- [1]- ر.ک. هود: 35.25; 57.50; 63.61 / شعراء: 81.69; 188.160 / مریم: 47.41 / انعام: 79.75 / بقره: 258 / طه: 62.42.
- [2]- ر.ک. فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج، 1386ق، ج 1، ص 44.27 و 64.47. نیز ر.ک. فرقان: 8.7 / زخرف: 31 / اسراء: 93.90.
- [3]- محمدبن محمد مفید، الارشاد، 1414، ج 1، ص 201.
- [4]- محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، 1363، ج 8، ص 349، ج 548.
- [5]- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، 1403، ج 3، ص 152؛ ج 10، ص 64 / فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 248.212.
- [6]- محمدبن علی بن بابویه قمی، عیون اخبارالرضا، 1404، ج 1، ص 131، ج 28.
- [7]- ر.ک. دائرة المعارف کتاب مقدس، 1380، ص 750 / مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، 1377، ص 972.970، «یوشع».
- [8]- ر.ک. محمدجواد بلاغی، الرحلة المدرسية، ج 1، ص 90 / محمدصادق فخرالاسلام، انیس الاعلام فی نصره الاسلام، 1384، ج 5، ص 64.50 / محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، 1373 ق، ج 9، ص 259.251 / عبدالرحیم سلیمانی، «قرآن کریم و بشارت های پیامبران»، هفت آسمان 16، ص 60.57.
- [9]- تنبیه، 10.34:6.
- [10]- متی: 5: 19.17.
- [11]- یوحنا، 21.1:19.
- [12]- جماعة من اللاهوتیین، تفسیر الكتاب المقدس، 1990، ج 2، ص 453؛ ج 5، ص 235 / ولیم بارکلی، تفسیر العهد الجديد (شرح بشارة یوحنا)، بی تا، ج 2، ص 109.
- [13]- ولیم بارکلی، پیشین، ص 109.
- [14]- محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ج 9، ص 259.251.
- [15]- انجیل یوحنا، 6: 14 و 7: 43.40 / اعمال رسولان، 3: 22 و 7: 37.
- [16]- محمد رشیدرضا، تفسیر المنار، ج 9، ص 259.251.
- [17]- فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 204.203.
- [18]- برای نمونه، ر.ک. خروج، 4: 9.1؛ 8: 12.7 و 15.14؛ 1: 31.14؛ 17: 7.1 / اعداد، 20: 11.7.
- [19]- برای نمونه، ر.ک. انجیل متی، 18: 22.9؛ 9: 34.27 و ب 14 و 15 / مرقس، ب پنجم و ششم و هفتم / لوقا، ب هشتم و نهم / یوحنا، ب ششم.
- [20]- برای نمونه، ر.ک. شعراء: 45.32 و 63 / بقره: 60 / اعراف: 160 / آل عمران: 49 / مائده: 110.
- [21]- برای نمونه، درباره این گونه معجزات حضرت مسیح(علیه السلام) ر.ک. انجیل متی، 4: 24.23؛ 2: 3.8؛ 14: 17؛ 2: 18.9، 35.7؛ 30: 34.20؛ 28: 34.14 / انجیل مرقس، 33: 35.1 و 42.40. قرآن کریم در روایتی درست از این معجزات و برای نفی بنیادین باور نادرست مسیحیت در این باره، انجام همه معجزات یاد شده را به «اذن» الهی می خواند (ر.ک. آل عمران: 49 / مائده: 110)؛ به این معنا که حضرت عیسی(علیه السلام) همه آن معجزات را با اذن و قدرت خداوند انجام می داد. در این صورت، آن معجزات دلیل الوهیت او نخواهند بود.
- [22]- «یتسع»، همان (آیتسح) یاد شده در کتاب مقدس است. وی شاگرد و جانشین ایلیای نبی، ساکن شهر «اریحا» و در مهربانی و ملاطفت با مردم همانند حضرت عیسی(علیه السلام) بود. مانند وی مرده زنده می کرد، بیماران را شفا می داد و از غیب و نهان خبر می داد. ر.ک. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص 99.98.
- [23]- برای اطلاع بیشتر از معجزات یاد شده الیشع در کتاب مقدس، ر.ک. دوم پادشاهان، 1: 25.2؛ 32: 38.45؛ 20: 21.13.
- [24]- «حزقیل» یا «حزقیال» از پیامبران بنی اسرائیل و معاصر ارمیای نبی بود. ر.ک. حزقیال، 1: 14.37 / مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص 323.320. بر اساس گزارش کتاب مقدس، افزون بر پیامبرانی همچون عیسی، حزقیل و الیشع، حتی حواریان حضرت عیسی(علیه السلام) نیز بیماران را شفا می دادند و پطرس حواری مرده زنده می کرد. در این زمینه، ر.ک. انجیل متی، 10: 1 / اعمال رسولان، 33: 41.9.
- [25]- فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 206.205.
- [26]- همان، ج 2، ص 209.207.
- [27]- همان، ج 2، ص 112.110.
- [28]- برای نمونه، ر.ک. جان بی. ناس، تاریخ جامع ادیان، 1373، ص 614 / محمد ایلخانی، تاریخ فلسفه در قرون وسطی و رنسانس، 1386، ص 21.20 / عبدالرحیم

- سلیمانی اردستانی، مسیحیت، 1381، ص 98.88 / حسین توفیقی، آشنایی با ادیان بزرگ، ص 175-174.
- [29]- پولس از مبلغان نخست، نامدار و تأثیرگذار مسیحیت بود که حدود سال دهم میلادی متولد شد. در آغاز، یکی از علمای متعصب یهودی و دشمن سرسخت مسیحیان بود. ر.ک. مستر هاکس، قاموس کتاب مقدس، ص 689-687، «پطرس» / ویل دورانت، تاریخ تمدن، 1378، ج 3، ص 681-679 و 696 / جان بی. ناس، تاریخ جامع ادیان، ص 614.
- [30]- برای نمونه، ر.ک. انجیل یوحنا، 1:1 و 3:14; 10:30 / رساله پولس به فیلیپا، 5:2 و 7 / رساله پولس به رومیان، 5:15 و 8:17 / رساله پولس به غلاطیان، 4:7-4.
- [31]- برای نمونه، ر.ک. انجیل متی، 5:19 و 17:18; 12:18 / انجیل لوقا، 3:28 / اعمال رسولان، 3:13.
- [32]- برای نمونه، متی در انجیل خود، همه اجداد پدری حضرت عیسی(علیه السلام) را تا ابراهیم نام می برد: داود و ابراهیم پیغمبر، هر دو جدّ حضرت عیسی(علیه السلام) مسیح بودند. ابراهیم پدر اسحاق، اسحاق پدر یعقوب ... ایل آذر پدر متان و متان پدر یعقوب بود. یعقوب پدر یوسف و یوسف شوهر مریم و مریم مادر عیسی مسیح بود. (متی، 1:16 و نیز ر.ک. انجیل لوقا، 3:28 / مرقس، 27:30.8).
- [33]- متی، 17:46 / مرقس: 15:34.
- [34]- فضل بن حسن طبرسی، الاحتجاج، ج 2، ص 208-207.
- [35]- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج 3، ص 651 / جلال الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، 1368، ص 170-174.
- [36]- کتاب مقدس (عهد عتیق و عهد جدید)، 1990 / انجیل متی، 13:26 / انجیل مرقس، 9:14-10.
- [37]- و. م. میلر، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ص 66-69.
- [38]- عبدالرحیم سلیمانی اردستانی، مسیحیت، ص 67 / موریس بوکای، القرآن و التوراة و الانجیل و العلم، 1996، ص 107.
- [39]- ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج 3، ص 655 / جلال الدین آشتیانی، تحقیقی در دین مسیح، ص 70-57 / موریس بوکای، القرآن و التوراة و الانجیل و العلم، ص 99-101.